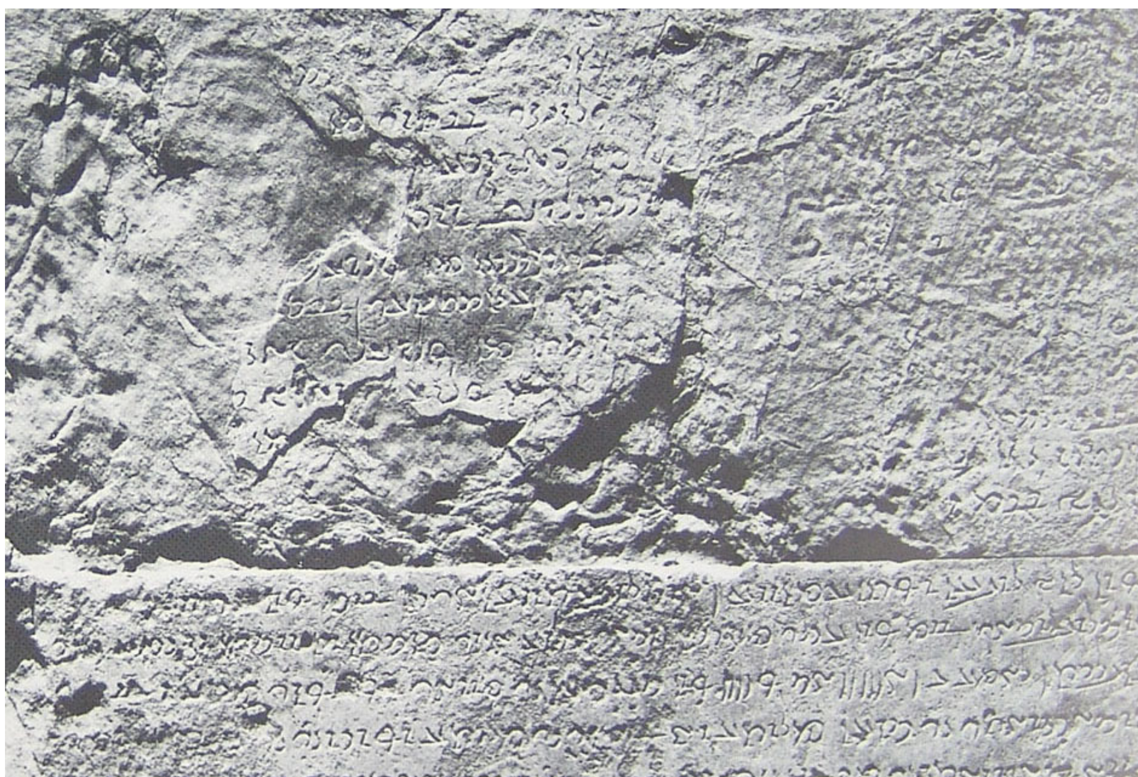
پاسخ:پورپیرار در اینجا شیادی دیگری را به کار برده است.عکسی که بالاتر دیدیم از زاویه دیگر و بسیار دورتر از این عکس است.زاویه آفتاب در این عکس طوری است که بیشتر ریختگیها و آسیب بر کتیبه را نشان می دهد و در عکس قبلی درست خلاف آن است.در همان کتابی که عکس مورد بحث ما چاپ شده است تصویر تمام کتیبه ها را هم به صورت کامل در اختیار گذاشته اند و می توانیم ببینیم که چیزی برای پنهان کردن وجود نداشته ،آنطوری که پورپیرار می خواهد به خوانندگان خود تلقین کند.پهنای کتیبه هم کاملا با اندازه ارائه شده در عکس تطبیق میکند.هم اندازه کتیبه ها نشان داده شده است هم میزان آسیب بر آنها که در بعضی موارد شدید است.



A



در دو تصویر ارائه شده: تصویر بالاتر موقعیت کتیبه مورد بحث را در کنار کتیبه کرتیر در ضلع شرقی بنا نشان می دهد که ابعاد به درستی با عکس مورد نظر ما منطبق است.



از همان کتاب اشمیت قسمتی از عکس کتیبه شاپور را انتخاب کرده ام که آسیبهای وارده را می بینید.چیزی برای پنهان کردن وجود ندارد.هم تصویر کتیبه در میانه حفاری ها ارائه می شود،هم موقعیت آنها،هم میزان آسیبهای وارده،همگی هم از یک منبع هستند.این ناصر پورپیرار است که قصد دارد توهمات خود را با جریان سازی خاصی به اثبات برساند و مثلا بگوید دانشگاهیان شیکاگو کتیبه را بسیار نو نشان داده و آسیبها را پنهان داشته اند!!مسلم است که عکسی که از فاصله 20 متری و زاویه دار و در جهت اشعه آفتاب انداخته شود نمی تواند آسیبها و ریختگیهای کتیبه را نشان دهد و این موضوع عجیبی نیست.درست برعکس این ریختگیها نشان از این دارد که کتیبه ها نوکند و جعلی نبوده و کاملا اصیل و کهن هستند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

در قسمت دوم پورپیرار بر روی نوشته های نقر شده بر کعبه زرتشت متمرکز شد و بیهوده سعی کرد آنها را تخطئه کند.ببینیم چه میگوید؟؟

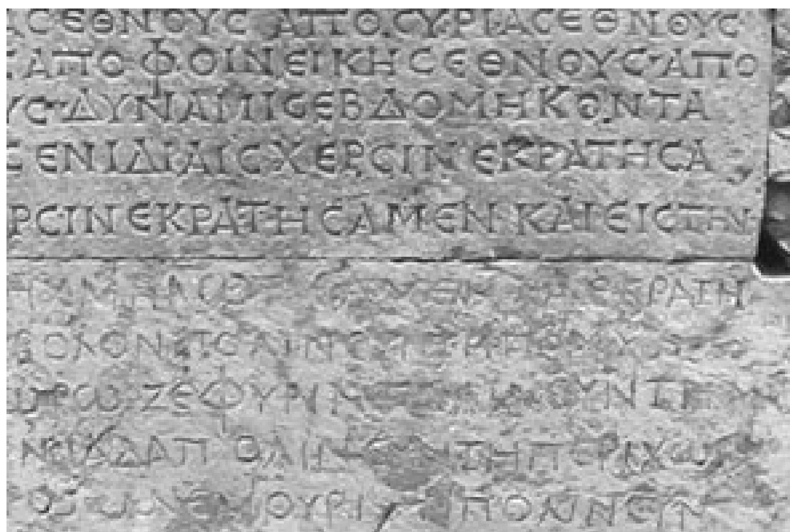


عکس ۱: بخشی از متن یونانی حک شده بر ضلع جنوبی مکعب نقش رستم، به کرم خوردگی سنگ در میان نوشته ها دقت کنید.

۱. در این عکس یک کرم خوردگی کهن، به صورت پولکی مجوف، به پهنای تقریبی چهار حرف، در سنگ دیده می شود. عجیب که این پریدگی به هیچ حرفی در کتیبه آسیب نرسانده و در سطر سوم و چهارم به وضوح دیده می شود که حجار پس از رسیدن به این آسیب، نگارش را پس از پرش از روی آن ادامه داده است!!! چنین وضعی دو تعریف و امکان بیش تر ندارد: یا باید کتیبه را از ابتدا بر یک سطح معیوب نگاشته باشند، که برای یک امپراتور و یا حتی صاحب منصب جزء سیاسی و فرهنگی هم موجب سرشکستگی است و یا باید پذیرفت که حک کتیبه در دوران اخیر و پس از آسیب دیدگی سنگ، در اثر مرور زمان، انجام شده است.

پاسخ:پورپیرار خود به طور ضمنی احساس کرده است این سند تصویری خود بهترین گواه بر اصالت و کهن بودن این نوشته ها است.کتیبه زمانی بر پیکره کعبه زرتشت این بنای هخامنشی نقر می شده است که بلوکهای سنگی آن در اثر گذشت زمان ریختگی و آسیب داشته است و حجار برای پرهیز از برخورد به پریدگی و تَرَک در سنگ و ....از نقر کلمات در بعضی قسمتها احتراز و اجتناب کرده است.اما چرا با وجود این ساسانیان نقش رستم و کعبه زرتشت را برای خلق یادمانها و به یادگار گذاشتن نوشته های خود انتخاب کرده اند؟؟پاسخ را باید در حافظه تاریخی ساسانیان جستجو کرد و این خود بحثی مفصل است.نمی دانیم ساسانیان هخامنشیان را همانگونه که بوده اند به یاد داشته اند یا نه ولی مطمئن هستیم به عنوان نیاکان مقتدر و شاهان بزرگی که اجداد ساسانیان بوده اند برای شاهان این سلسله تقدس و احترام داشته اند و از این رو شاپور ساسانی حتی با وجود بعضی فرسودگیها و ریختگیهایی که در بنای کعبه زرتشت وجود داشته به جهت تقدس و احترامی که برای این یادمان نیاکانی قائل بوده است،سه وجه آن را برای نقر کتیبه خود انتخاب کرده است.با وجود اینکه می دانیم

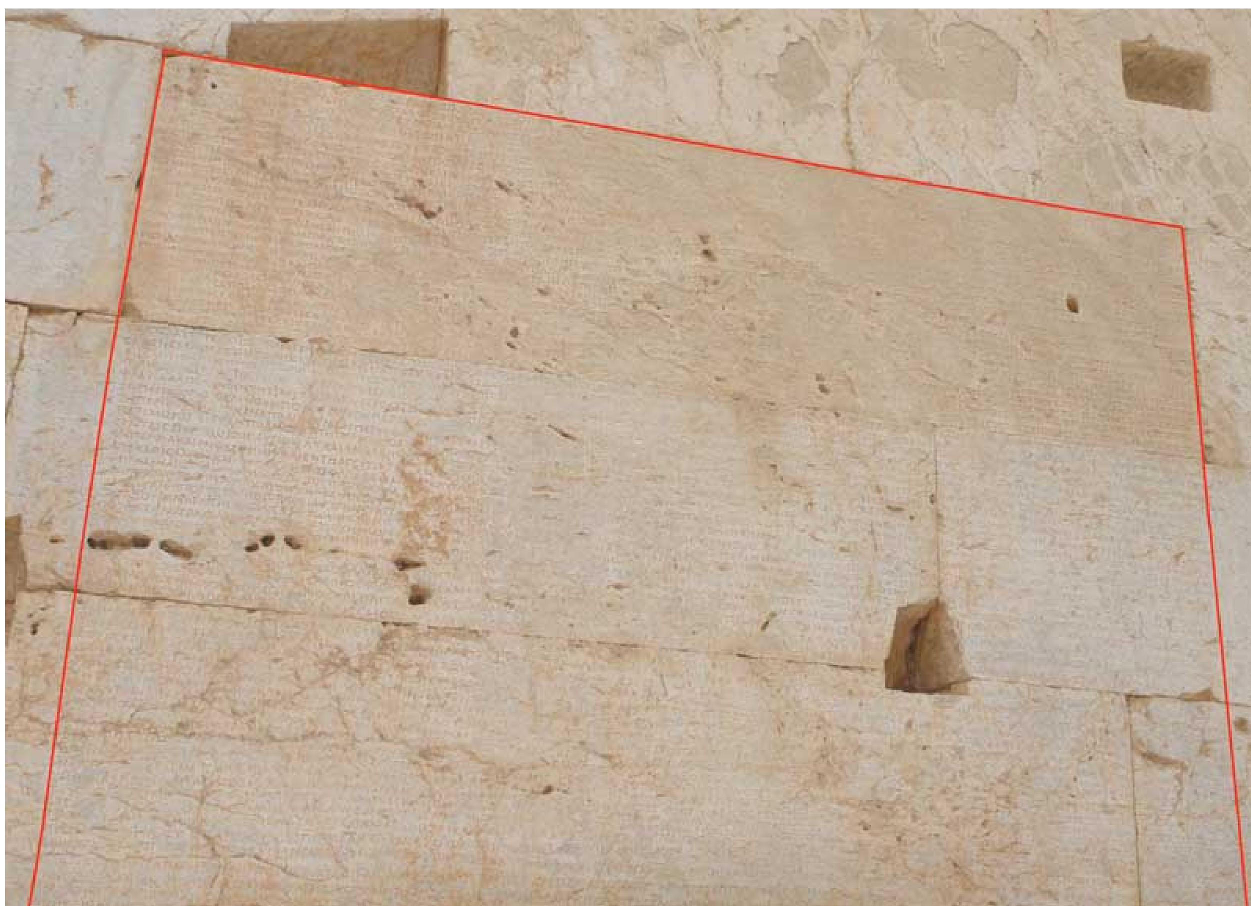
پورپیرار دروغ میگوید ولی در سخنان و دلائلی که او ارائه میکند تناقض وجود دارد و من این تناقض را بعد از ارائه مدارکی که او شرح می دهد بیان میکنم و اما ادامه گفته های او



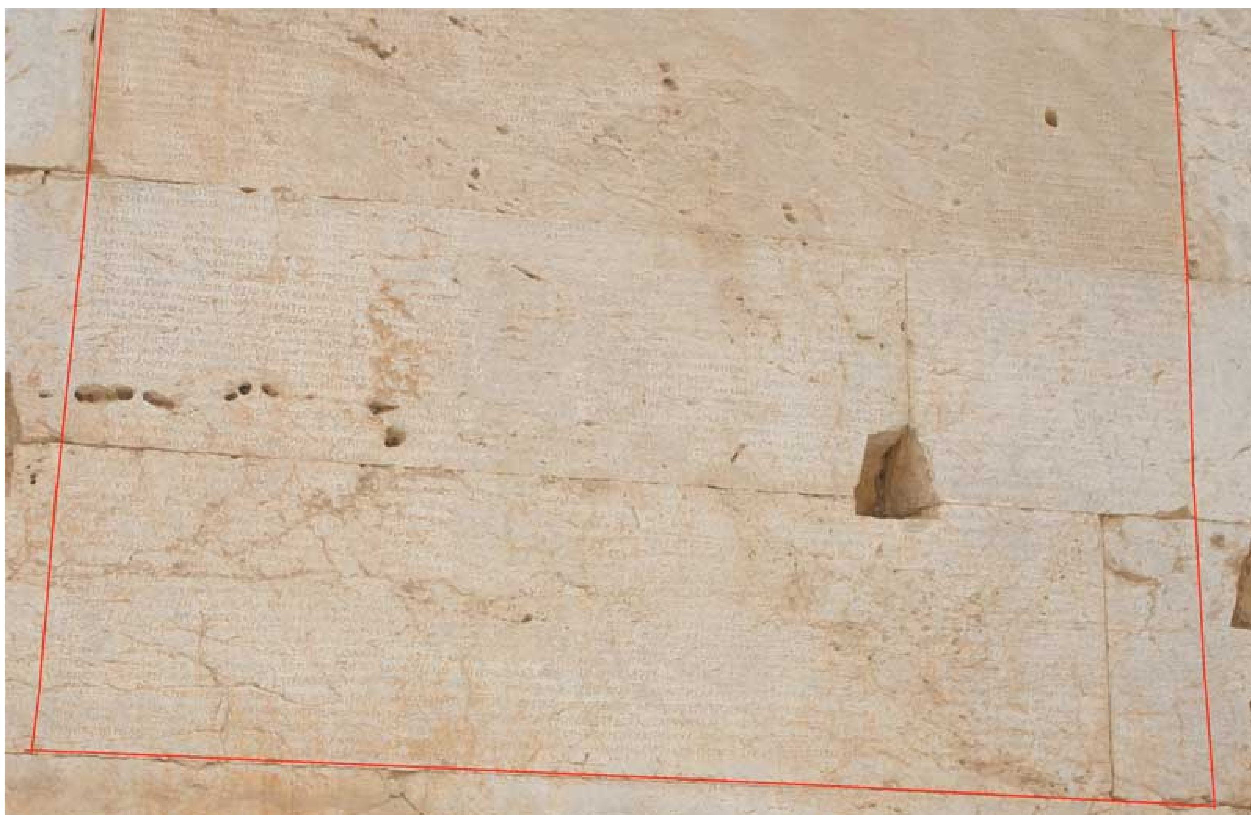
عکس ۲. بخش دیگری از کتیبه ی جنوبی مکعب زردشت به خط یونانی. دو خطه بودن کتیبه بسیار مضحک است!

۲. در این عکس، که بخش دیگری از همان کتیبه را نشان می دهد، با پدیده ی شگرفی در تاریخچه ی کتیبه کنی جهان مواجه ایم: کتیبه ی یونانی ضلع جنوبی مکعب نقش رستم با دو خط مختلف نوشته شده است!!! و از آن که معلوم نیست با چه نشانه این کتیبه را به شاپور اول ساسانی منتسب می کنند، تنها توضیحی که برای این شاه کار ندانم کاری در تدارک جعلیات ساسانی می توان عرضه کرد، این است که گمان کنیم در نیمه راه کتیبه کنی، بودجه ی استخدام یک خطاط ماهر در دربار شاپور به ته رسیده و ناگزیر ادامه ی کار را به مجری بد خط تری، که دست مزد کم تری می گرفته است، سپرده اند!!!

پاسخ:باز هم سفسطه ای دیگر!! کل کتیبه یونانی در کادری نزدیک به مربع بر ضلع جنوبی کعبه زرتشت نقر شده است که بر سه ردیف سنگی افقی و به صورت دقیق بر 5 بلوک نگاشته شده است.موقعیت کتیبه ها را در عکسی از کتاب اشمیت نشان دادم .کادری که ابعادش به مربع نزدیک است و در ضلع جنوب است نسخه یونانی است و اما عکسی که خود از این کتیبه گرفته ام



لزوما ساختار و تراکم بافت سنگی بلوکها یکسان نیست.بستگی به عمق معدن،بافت سنگ و فشردگی دانه های آن تفاوت میکند.اگر سنگ ما از سطوح فوقانی معدن برداشت شده باشد با هوازدگی و تخریب بیشتری در سنگ مواجه خواهیم بود.و این چیزی است که در این بلوکهای سنگی اتفاق افتاده.در قسمتی از کتیبه که نوشته بر روی بلوک دیگری است با تخریب و هوازدگی بیشتری روبرو هستیم که به نسبت نوشته های قسمت پایینتر را بیشتر آسیب رسانده است از این رو کیفیت حجاری خط دوگانه جلوه میکند.در حقیقت بافت این تکه های سنگی لزوما همسان نیست.





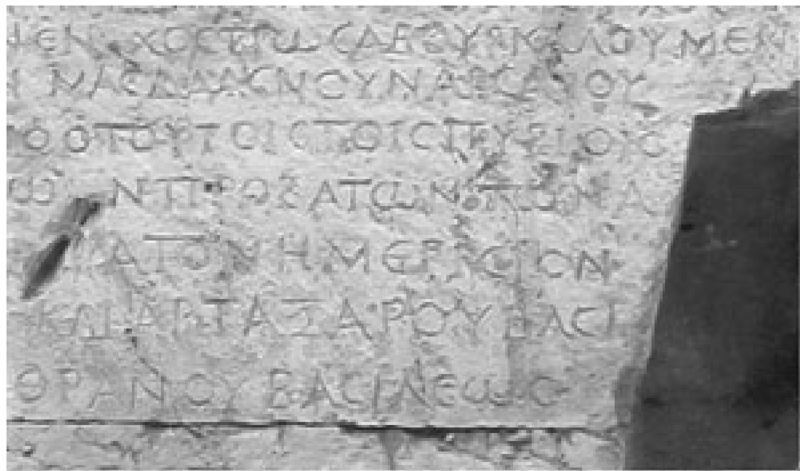
عکس شماره ۳. قسمت دیگری از کتیبه ی یونانی دیوار جنوبی مکعب. در این جا نیز موقعیت حروف در میان کرم خوردگی سنگ بسیار دیدنی است.

۳. تمام توضیحات عکس شماره ی یک بر این عکس نیز منطبق است. در این جا نیز حکاک پس از برخورد با حفره ای، که بر اثر کهولت در سنگ ایجاد شده، در سه سطر پیاپی، کار ادامه ی حکاکی را پس از پرش از روی حفره ی ناشی از کرم خوردگی سنگ دنبال کرده و همان برداشتی را ممکن می کند که درباره ی تصویر شماره ی یک بیان شد، با این تفاوت که در این جا سعی حکاک در عدم برخورد با آسیب سنگ در سطر سوم، هنرمندانه تر است!!!



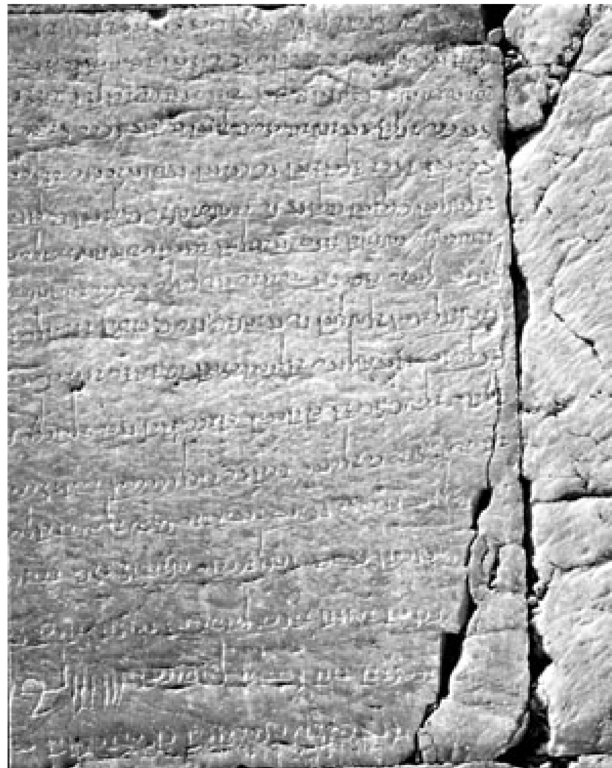
عکس شماره ی ۴. نمایش یک بریدگی جدید در پانل کتیبه ی یونانی، که به کهولت سنگ مربوط نمی شود.

۴. در عکس بالا با یک بریدگی تازه و آسیب نو در میان کتیبه ی ضلع جنوبی مکعب نقش رستم مواجهیم. این بریدگی به سبب لبه های تیز آن کاملا جدید است و احتمالا به نیاز تدارک تکیه گاه داربست برای شست و شوی دیوار، با ابزار قلم از میان سنگ درآورده اند. با این همه در این جا هم هیچ حرفی به سبب این نقص بزرگ در سنگ معیوب و ساقط شده نیست!!! این بریدگی منظم، که آثاری از کهولت برخود ندارد، به همراه چند بریدگی منظم دیگر، که در عکس شماره ی ۱۴ قسمت اول این یادداشت به خوبی مشخص است، حاصل تصرفات سر خود و احمقانه ای است که اوباشگری و بی فرهنگی و شیادی و بی اعتنایی باستان شناسان یهودی دانشگاه شیکاگو، به میراث کهن دیگران، در این تنها بنای کاملا سالم دنیای کهن، به وجود آورده است. بی شک اگر بر این دیوار پیش از این دست کاری های رذیلانه کتیبه ای بود، باید که همراه بیرون کشیدن این سنگ از دیوار، بخشی از کتیبه نیز همراه آن تخریب شده باشد، که چنین نیست. مگر این که یا گمان کنیم شاپور اول ساسانی پس از اتمام خراب کاری های کارشناسان دانشگاه شیکاگو، با خروج از قبری که نمی دانیم در کجای جهان است، دستور حک کتیبه اش را داده و یا او را دارای ذوق و سلیقه ای آبسته در زمینه های هنری بیانگاریم که کتیبه نگاری بر روی سطوح سالم را نمی پسندیده است!!!



۵. بزرگ نمایی عکس شماره ی ۴

۵. در این جا وسواس حکاک برای پرهیز از برخورد با حفره ی نوکنده در سنگ آشکار است و کاملا معلوم می کند که برای حفظ نمای کامل هر حرف، محاسبه ی لازم را در ادامه ی کار انجام داده است. در سمت چپ تصویر یک کرم خوردگی مورب و کهن دیگر دیده می شود که حجار یا آن را دور زده و یا از آن پریده است تا معلوم شود که از عمر حیله گری تدارک کتیبه ی ساسانیان قلابی و بی نشان، کم تر از هفتاد سال می گذرد!!! زیرا تصور این که امپراتوری بر دیواری با این همه حفره و آسیب و کرم خوردگی و پریدگی، در حالی که بسیاری از این سوراخ ها نوکنده است، کتیبه ای بنویسد، آن هم در حوزه ای که مملو از صخره های خارای آماده و مناسب کتیبه کنی است، حتی اگر آن امپراتور را شبحی به نام شاپور اول ساسانی بیانگاریم، ممکن و معقول نیست!



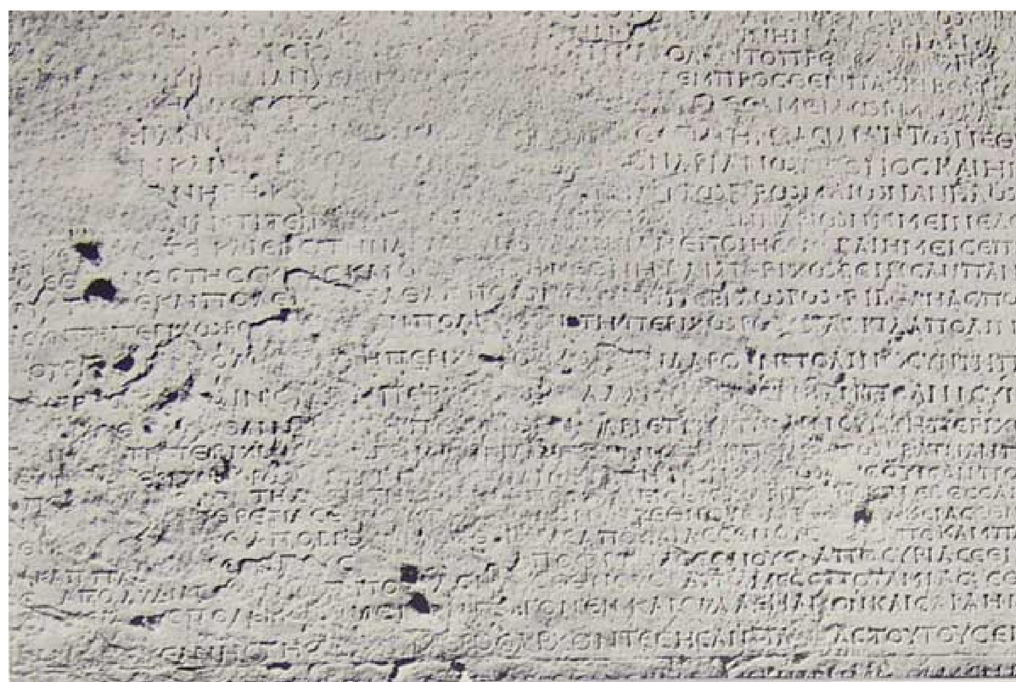
۶. سند روشن و گویایی برای رسوا کردن کارشناسان و باستان شناسان مکتب دانشگاه شیکاگو!

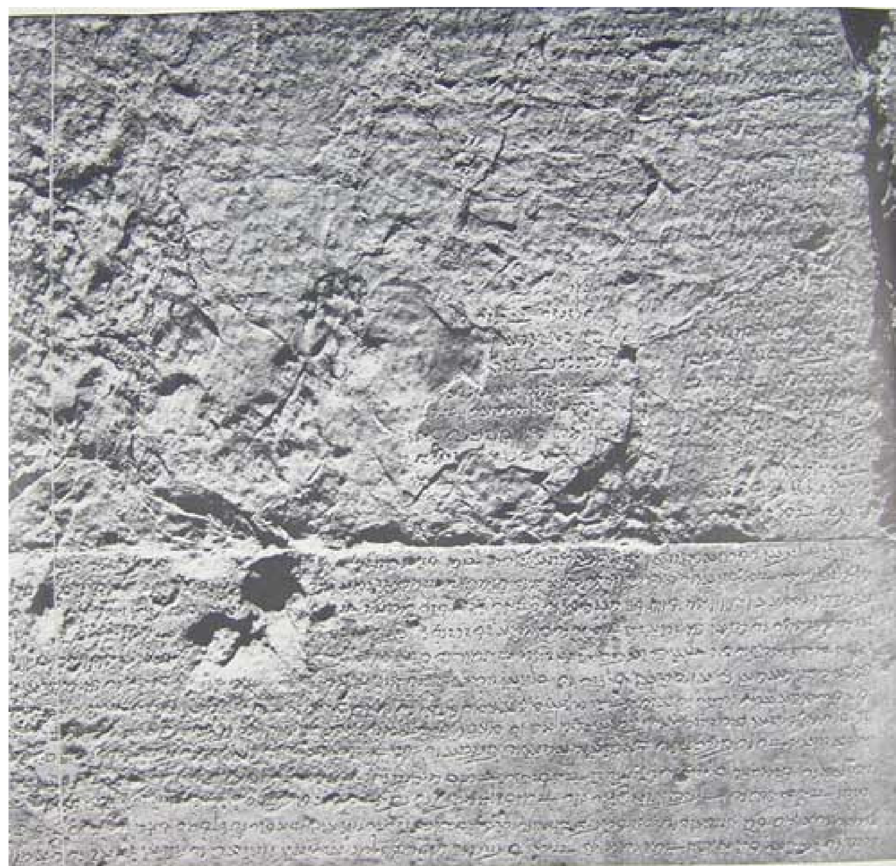
۶. آن چه از این عکس تراوش می شود اعلام نهایت بی اعتنایی کارگزاران دانشگاه شیکاگو، به خرد ملی ما، در نحوه ی عرضه ی جعلیات شان است. آن ها به راستی خود را در میان مردمی بدون قدرت تشخیص بصری فرض کرده اند. در این عکس مبدا کتیبه ی منتسب به کرتیر دروغین و مسخره را در دیوار ضلع شرقی مکعب نقش رستم می بینید، که ۱۷ سطر است. کتیبه به خط قلابی پهلوی است که از راست به چپ نوشته می شود. کتیبه را درست از ابتدای بلوک سنگی دست چپ شروع کرده اند و تا سطر سیزدهم، که بلوک دارای شکاف نیست، ابتدای سطور منظم و زیر هم است، اما از سطر سیزدهم که ترکیدگی سنگ، ناشی از فشار گذشت زمان شروع می شود، حکاک کتیبه نیز برای عدم برخورد با مانع شکاف، ابتدای سطور را به نسبت زاویه ی ترکیدگی به داخل بلوک کشانده است!!! یک نگاه ساده به این تصویر معلوم می کند که این کتیبه را زمانی کنده اند که بلوک زمینه به صورت کنونی در آمده و آسیب های موجود را بر خود داشته است. حال اگر باستان شناسان بی دانش مرکز ایران شناسی دانشگاه شیکاگو و کاریکاتورهای داخلی آن ها معتقد به قدمت این کتیبه اند، از آن که نمی

توان پذیزفت که یک صاحب منصب حکومت ساسانی درد دل های اش را به سنگی چنین آسیب دیده منتقل کند، پس باید گفت که حکاکان در اختیار دانشگاه شیکاگو نه خود شعور معمول و مصطلح آدمی را داشته اند و نه برای روشن فکران و دست اندر کاران مسائل میراث ما، کم ترین احتمال بروز تردید عاقلانه، سخت گیری فنی و طرح سئوال های مزاحم و روشنگر را داده اند.

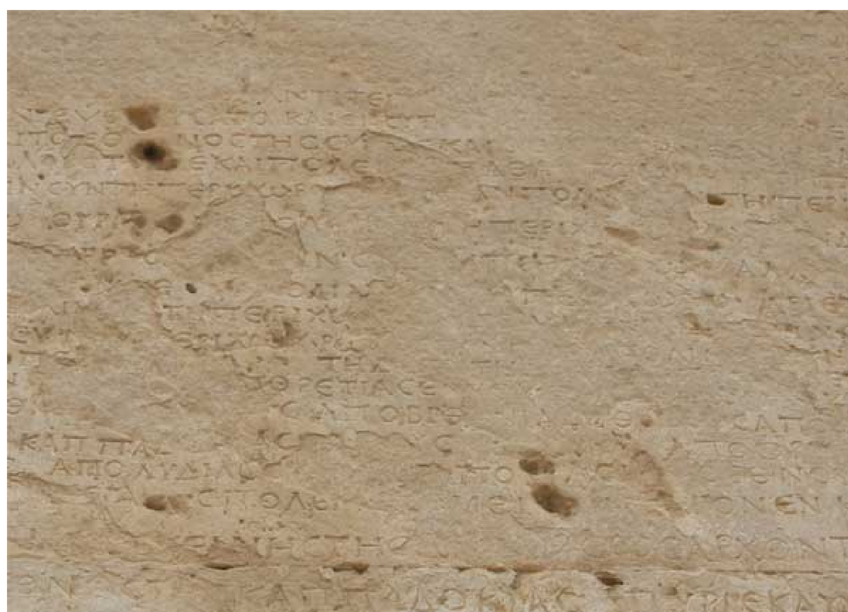
چنین است سرنوشت غم بار مردم ممتاز شرق میانه که در ظهور هخامنشیان گرفتار گرداب نسل برافکن و تمدن شکن پوریم یهودیان شده اند و در دوران جدید نیز کارشناسان دوره گرد دانشگاه های کنیسه و کلیسایی غرب، که به سیمای باستان شناس و شرق شناس در آورده اند، کم ترین احترامی برای هستی و هویت این خطه قائل نبوده اند، که گهواره ی پرورش و رشد تمدن بشری شناخته شده است.

پاسخ:ادعاهای پورپیرار همه از یک قماش هستند و ترجیح دادم موارد آخر را یکجا پاسخ بدهم.محور این گفته ها پرهیز حکاک و حجار از ترکها،حفره ها و شکستگیها بر سنگ است و پور پیرار اینها را دلایلی در نظر میگیرد که نو کند بودن کتیبه ها را نشان می دهد در حالی که اینها خود بهترین گواه بر اصالت و کهن بودن این نوشته ها است.به تناقضی در گفته های پورپیرار اشاره کردم و حال آن را شرح می دهم:اگر فرض کنیم که جعل کننده کتیبه در عصر جدید در پرهیز از برخورد با شکستگیها و ریختگیها و ترکها و .....وسواس داشته است قاعدتا باید تمام کتیبه برای ما خوانا باشد و هیچ بخش ناخوانا یا شکسته ای در آن وجود نداشته باشد چون بنا به منطق پورپیرار کتیبه جعل جدید است و از برخورد با ترک و شکستگی هم با دقت بالا پرهیز شده است.خواهش میکنم به تصاویر زیر که از کتاب اشمیت برایتان انتخاب کرده ام توجه کنید:





و اما عکسهایی که خود از کتیبه دیواره شرقی وجنوبی برداشته ام

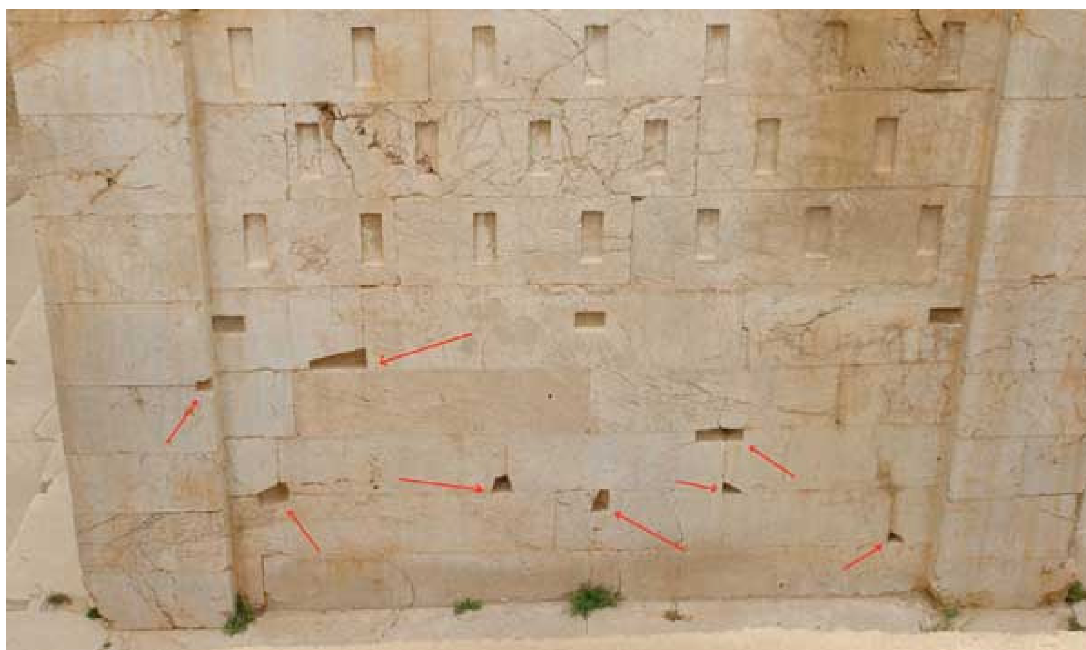




نوشته های پهلوی ساسانی که با فلش مشخص شده اند و خود می بینید که شدیدا تکه پاره هستند.بله!!پورپیرار در جعل و دغل استاد است.چرا که باید بخشهایی از کتیبه را انتخاب کند که کاملا سالم و خوانا است و بخشهای تکه پاره و ریخته را در توضیحات خود نادیده بگیرد.گویا جاعلین اول از تَرَکها و سوراخها پرهیز کردند و در مرحله بعد یادشان رفت از این تکه ها احتراز کنند و حروف شکسته و ناقص شد یا اینکه ابتدا کل کتیبه را تراشیدند بعد با چکش این قسمتها را تخریب کردند ولی مواردی که پورپیرار ادعا کرده بود را فراموش کردند مخدوش کنند و کاملا نشان داده شد که از ترکها و زدگیها پرهیز کرده اند!!یعنی در یک جا جاعل دلش خواسته از شکستگیها فرار کند و در جای دیگر خواسته شدیدا کتیبه را آسیب دیده نشان دهد.حقیقت یک چیز است: تکه های سنگی بنای کعبه زرتشت در همان دوره ساسانی هم تَرَکها و ریختگیهایی داشته که حجار از نقر حروف روی آنها دوری کرده و کتیبه را سالم و خوانا تراشیده است و از دوره شاپور اول تا به امروز که زمانی نزدیک به 1700 سال است سنگها در اثر گذشت زمان و هوازدگی و....آسیب دیده و قسمتهایی محو و نابود شده است. کتیبه دیواره غربی که به پهلوی اشکانی است از دو دیواره دیگر سالمتر مانده و کاملا خواناست.شکافی که پورپیرار در تصویر شماره 6 به آن اشاره میکند شاید در دوره شاپور به صورت ترک یا شکاف ریزتری وجود داشته که در هر حال حجار کتیبه از آن دوری جسته است.اما اینکه کتیبه را چرا باید بر بنای کهنه و بعضا آسیب دیده بنگارند حاکی از تقدس و احترام زیادی است که این یادمانهای باستانی برای شاهان ساسانی و شاپور به عنوان بناهای نیاکانی و اجدادی داشته است و با افتخار نوشته های خود را بر آن جاودانه کرده اند.

اجازه بدهید عکسی که پورپیرار آن را شماره 4 نامیده بررسی ویژه ای کنیم.

همانطور که در تصویر شماره 4 دیدید برشی هندسی و منظم در بلوکهای سنگی مشخص است.این برشها نه فقط در این تصویر که در عکسی که از دیواره جنوبی در اختیار دارم در تعداد بیشتر قابل رویت است و همانطور که در پایین مشاهده می کنید تعداد آنها بیشتر از یک نمونه است که پورپیرار نشان داده و این هم فقط نمایی از دیواره جنوبی است.در تخت جمشید هم فراوان از این برشهای منظم و هندسی سنگی خواهید یافت و اکنون جای آن است بپرسید این حفره ها چیستند؟؟این حفره ها در اثر تکنیک وصالی سنگی بوجود آمده اند!!مرحله اول مرمت در بناهای هخامنشی نه در قرن بیستم که در همان دوران باستان آغاز شده بود استادکاران و حجاران هنگامی که با یک رگه یا ترک در قسمتی از سنگ مواجه می شدند برای مقابله با گسترش یا شکستگی آن در آینده، محیط اطراف ترک یا رگه را به صورت منظم و هندسی می تراشیدند و بعد با تهیه تکه یا وصله سنگی که درست قالب بریدگی باشد آن را پر و با ذوب فلز در جای خود محکم می کردند.وصله های سنگی با رنگ پوشیده می شدند



جناب آقای حسن راهساز و همکار محترمشان آقای شهرام رهبر از بنیاد پارسه-پاسارگاد گزارش مربوط به مرمت یک تکه وصله سنگی جدا شده را در اختیار نگارنده گذاشتند که در اینجا از لطف ایشان سپاسگزاری میکنم.این وصله سنگی مربوط به یکی از دروازه های جنوبی کاخ صد ستون است.قطعه سنگی جدا شده مجددا با چسب سنگ در جای خود نصب شده است.به عکسها توجه کنید






جالب است بار دیگر به نوشته پورپیرار نگاهی کنیم و به وسعت و عمق دانش این مورخ بزرگ بیش از پیش پی ببریم

در عکس بالا با یک بریدگی تازه و آسیب نو در میان کتیبه ی ضلع جنوبی مکعب نقش رستم مواجهیم. این بریدگی به سبب لبه های تیز آن کاملا جدید است و **احتمالا به نیاز تدارک تکیه گاه داربست برای شست و شوی دیوار**، با ابزار قلم از میان سنگ درآورده اند.

فکر نمیکنم به توضیح بیشتری نیاز باشد!!فقط یک مورد باقی می ماند و آن عکسی است از پرفسور کامرون که در حال خواندن کتیبه یونانی بر دیواره جنوبی کعبه زرتشت است.



دانشگاه شیکاگو در توضیح این عکس اشتباها نوشته است دکتر کامرون در حال خواندن کتیبه پهلوی ساسانی بر دیواره شرقی بنا که اشتباهی سهوی بوده و هیچ ایراد اساسی مترتب این دانشگاه یا موضوع دیگری نمیکند و فقط شخص شیادی چون پورپیرار است که می تواند از این اشتباه به داد و فریاد

بپردازد تا مگر صدایش شنیده شود گرچه نتیجه ای از آن به دست نمی آید.پورپیرار ادعا میکند به اتکای جعل کتیبه های شاپور بر کعبه زرتشت، کتیبه های نقش رجب هم جعل دانشگاه شیکاگو است و غافل از این حقیقت است که شاردن در قرن هفدهم کتیبه نقش رجب را طراحی کرده است!!

به پایان سخن خود رسیده ام.نقد چنین سخنان بی مایه ای به واقع برای من دشوار بود.سخنانی که منبع آن فقط دروغ و قصد و غرض بوده است.اشمیت در سال 1317 کتیبه ها را کشف می کند،شادروان سامی برای حفاظت از آنها در دهه 30 شمسی کتیبه ها را با پوششی خشتی-آجری می پوشاند و در سال 1367 حسن راهساز و همکارانشان پوششهای خشتی را تخریب کرده و با مواد نگهدارنده به حفاظت از کتیبه ها اقدام می کنند.آنچه که دروغ پورپیرار بود اینست:اشمیت کعبه زرتشت را حفاری می کند و سه نیایشگاه خشتی-آجری ایلامی بر سه طرف آن می یابد!در مرحله بعد و بلافاصله با دستپاچگی پوششهای خشتی را می کند و سه کتیبه جعلی از شاپور ساسانی و یک کتیبه جعلی از کرتیتر موبد موبدان بر سه وجه آن می تراشد!!ببینید اندازه ناراستی را!!ببینید عمق شیادی را!!خدا را شکر میکنم که اکنون حقیقت روشن شده است.شاید با این توضیح بیان سخنانی که در رد یاوه های او نوشتم ضرورت نداشت ولی این سخنان را گفتم تا روشهای دروغگویی این شخص و دانش او برای همگان روشن باشد.متاسفم برای طرفداران پورپیرار که چنین استاد و راهنمایی دارند. به سخنان یکی از پیروان او با نام مستعار عارف گلسرخی توجه کنید و ببینید دچار چه استحاله ای شده است اصل این نوشته در سایت وزین آذرگشنسپ تحت نام((پورپیراریسم و تاریخ و فرهنگ ایران)) به این آدرس موجود است:

http://www.azargoshnasp.net/Iran/pasokhbehanirani.htm

«سلام آقای پورپیرار به مقدسات عالم قسم که شخص شما در تاریخ و فرهنگ ایران یگانه اید و در هیچ دورانی نظیرتان پیدا نشده و هرگز با دیگران قابل مقایسه نیستید. من با جرات تمام معتقدم که پس و پیش از اسلام و به جز پیامبر و انبیاء هرگز مانند شما ظهور نکرده و باید شما را در زمره اولیا و برگزیدگان خداوند گفت. من باین مطلب پس از خواندن کتاب هفتم شما یقین کامل دارم و در پیشگاه شما سجده میکنم.»!!!!!!!!!!!!

نیاید به این کشور دروغ،خشکسالی و سپاه دشمن

یزدان نگهدارتان باد